



سیاست‌گذاری ورزشی در ایران با تأکید بر مرجعیت‌های چندگانه تصمیم‌گیری

جواد گیاه‌شناس بن‌بازاری^{۱*}، احمد ساعی^۲، صادق زیباکلام^۳، حمیدرضا ملک‌محمدی^۴

تاریخ تصویب: ۹۸/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۰۲

چکیده

موضوع سیاست‌گذاری ورزشی در ایران با وجود نهادهای موازی و همچنین تعدد مرجعیت‌های تصمیم‌گیری در ابعاد مختلف ورزشی باعث اتلاف منابع مادی و معنوی و نیرو، منابع و استعداد‌های انسانی در کشور گردیده است. مقاله حاضر با مفروض وجود مشکل در سیاست‌گذاری ورزشی ایران با تأکید بر مرجعیت‌های چندگانه تصمیم‌گیری به دنبال تمرکز بر عمده‌ترین مشکل مؤثر بر فرآیند تصمیم‌گیری در ساختار ورزش کشور در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مبتنی بر مدل مرجعیت تصمیم‌گیری پیر مولر است.

جامعه آماری این تحقیق بر پایه بررسی میزان تحقق برنامه چهارم و پنجم توسعه و همچنین میزان موفقیت ورزش قهرمانی در مسابقات آسیایی و المپیک پرداخته است. این پژوهش با بکارگیری روش توصیفی از نوع روش فراتحلیل کیفی و ابزار گردآوری داده با توجه به نوع تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و بررسی سایت‌های مختلف ورزشی صورت پذیرفته است. نتایج این تحقیق نشان داد که روند ناپایدار ورزش قهرمانی و حرفه‌ای با توجه به تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده در ورزش کشور می‌باشد.

کلید واژه‌ها: سیاست‌گذاری ورزشی، تصمیم‌گیری، مرجعیت‌های چندگانه.

Email: j.giahsheenas@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران*

Email: ahmadsae@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: szibakalam@ut.ac.ir

۳. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: malek@ut.ac.ir

۴. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

با افزایش نقش ورزش در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی کشورها، پیشرفت در زمینه‌ی ورزش به یکی از اولویت‌های راهبردی برنامه‌ریزان در کشورهای مختلف دنیا تبدیل شده است (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰). با بررسی آمار ارائه شده از سوی سازمان تربیت‌بدنی کشور فقط ۱۰ درصد از مردم جامعه به ورزش و فعالیت‌های بدنی می‌پردازند؛ این آمار در مقایسه با کشورهایی نظیر استرالیا که ۵۲ درصد از مردم آن ورزش می‌کنند، بسیار ناچیز است. این کاهش تحرک و فعالیت بدنی در زندگی روزمره که به دلیل توسعه و گسترش امکانات و وسایل رفاهی و شیوه‌های نوین زندگی به وجود آمده است، ضرورت برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های ورزشی مورد نیاز جامعه را بیش‌ازپیش نمایان می‌کند (کاشف، ۱۳۷۹). در سایر کشورها نیز عدم فعالیت‌های ورزشی وجود دارد یافته‌ها حاکی از آن است که بیش از نیمی از بزرگ‌سالان آمریکایی همچنان در فعالیت بدنی در سطح توصیه‌شده شرکت نمی‌کنند (سپکوتا^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). این در حالی است که کشورها توسعه‌یافته در زمینه ورزشی سعی کرده‌اند با ارائه برنامه‌های توسعه و ایجاد ساختار و استراتژی مناسب در جهت گسترش آن گام بردارند (بدری آذین، ۱۳۸۲). ژوزف و سیسیلیا^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی سیاست‌های ورزشی در کشور سوئد پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که سیاست ورزش معاصر در سوئد نتیجه روابط بلندمدت بین دولت‌های ملی و محلی است که به حمایت مالی گسترده از ورزش سازمان‌یافته منجر شده است. این رابطه توسط یک قرارداد ضمنی تعریف شده است که در آن دولت در خصوص سیاست‌های بودجه‌ریزی تصمیم‌گیری می‌کند و کنفدراسیون ورزشی سوئد جزئیات توزیع و مدیریت بودجه را دنبال می‌کند.

در ایران سیاست‌گذاری ورزشی در سطح کلان بر عهده‌ی شورای عالی ورزش است. رقابت‌های جهانی، فن‌آوری جدید، تغییرات جمعیتی و دگرگونی ارزش‌های اجتماعی از جمله چالش‌هایی است که ماهیت مدیریت روزمره منابع انسانی را تغییر می‌دهد (شیخ، ۱۳۸۱). در هزاره سوم سازمان‌های ورزشی کشورها همانند سازمان‌ها و نهادهای سایر حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی، برای بقا و کسب موفقیت در عرصه رقابت ملی و بین‌المللی به سازمان‌هایی استراتژی محور تبدیل شده‌اند. مطالعه وضعیت آنها نشان می‌دهد که تعداد قابل‌توجهی از آنها در اجرای استراتژی خویش از موفقیت‌چندانی برخوردار نبوده و یا از عدم اجرای آن رنج می‌برند (حمیدی و حمیدی، ۱۳۹۰).

در کشور ایران علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌هایی که دولت در ورزش داشته، به دلیل نامشخص بودن وضعیت ورزش قهرمانی از این نظر که کدام نهاد یا سازمان (کمیته ملی المپیک یا وزارت ورزش) متولی ورزش قهرمانی هستند، عملاً حرکت‌های موازی صورت می‌گیرد و استفاده بهینه از منابع سرمایه‌ای کشور به عمل نیامده است. هر چند در طرح جامع ورزش کشور و در بخش ورزش قهرمانی تلاش‌هایی صورت گرفته و به مواردی از قبیل استعدادیابی، مربیگری و فرصت‌های رقابتی اشاره شده است، باوجود این باید اذعان کرد که متأسفانه اولویت‌بندی دقیقی در ورزش قهرمانی کشور وجود ندارد و به‌همین دلیل سالانه بخش قابل توجهی از منابع مادی و معنوی به هدر می‌رود (قره‌خانلو، ۱۳۸۷).

بنابراین نقش و اهمیت ورزش در قالب سیاست‌گذاری عمومی را می‌توان فرآیند شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها و تصمیم‌های گوناگون دانست که تصمیم‌گیرندگان رسمی و غیررسمی اتخاذ می‌کنند و تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی مردم دارد (کمالی، ۱۳۹۱). به اعتقاد ویلیام جنکینز^۳ سیاست‌گذاری عمومی مجموعه تصمیم‌های مرتبط با دیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی درباره اهداف و ابزارهای دستیابی به آنها در شرایط مشخص است، به شرط آن که این تصمیم‌ها به‌طور قانونی در چارچوب اختیارات بازیگران اتخاذ شده باشد (هاولت و رامش^۴، ۱۳۸۰).

1. Sapkota et al
2. Josef & Cecilia
3. William Jenkins
4. Hewlett & Ramesh

با گسترش رویکرد جدید برخلاف مطالعات سنتی سیاست‌گذاری که بر منطق هزینه و فایده سیاست‌گذاران یا بر تحلیل مرحله‌ای فرآیند سیاست‌گذاری تأکید دارند، بر تأثیر ایده‌ها، تصویرها و ارزش‌ها بر تحلیل سیاست‌گذاری عمومی تأکید دارد. در رویکرد جدید عناصر شناختی و هنجاری نقش مهمی در چگونگی درک سیاست‌گذاران و توضیح و تفسیر جهان توسط آنها دارد. در سه رویکرد تغییر انگاره^۱ پیتر هال، ائتلاف حامی^۲ پل ساباتیر^۳ و جنکینز اسمیت و مفهوم مرجعیت پیر مولر بر اهمیت و نقش ارزش‌ها، ایده‌ها و تفاسیر در تحلیل سیاست‌گذاری عمومی تأکید شده است (کمالی، ۱۳۹۳). بنابراین، مرجعیت یک سیاست، به سیاست‌گذاری مربوط به آن معنا می‌بخشد و به چرایی شکل‌گیری یک سیاست به شکلی که وجود دارد پاسخ می‌دهد (ملک محمدی، ۱۳۸۴).

در همین زمینه «پیر مولر» به شرح و بسط مفهوم مرجعیت سیاست‌ها پرداخته است، به اعتقاد وی، مفهوم مرجعیت در سیاست‌گذاری، مجموعه بازنمایی‌ها و تصاویری از واقعیت است که زمینه‌ساز سیاست‌گذاری عمومی است و کارکرد آن، فهم‌پذیر کردن واقعیت با محدود کردن پیچیدگی‌های آن است (مولر، ۱۳۸۳). ایجاد مرجع از یک سیاست با فرآیندی دوگانه در ارتباط است:

۱. پرده برداشتن (کشف رمز) از واقعیت به کمک فعالیت‌های علمی که با ارائه تعاریف جدید از نقاط تأکید بر عمل، موجب کاهش ابهام‌ها و عدم شفافیت جهان می‌شود؛

۲. پوشانیدن واقعیت (رمزگذاری و قاعده‌بندی مجدد) از خلال توصیف روش‌های عملیاتی مناسب برای تعریف یک برنامه عمل عمومی (مولر، ۱۳۸۴).

مرجعیت یک سیاست‌گذاری عمومی به‌عنوان ارائه‌کننده جایگاه و نقش یک بخش در جامعه فرضی در زمانی خاص، ممکن است که از سه عامل تشکیل شده باشد مرجعیت کلان، مرجعیت بخش و عوامل مبادله.

الف. مرجعیت کلان: نوعی قرائت عمومی است که قرائت‌های مختلف بخشی و سلسله مراتبی، به دور آن جمع می‌شوند. این مرجعیت از مجموعه‌ای از ارزش‌های بنیادین تشکیل شده است که اعتقادهای پایه‌ای یک جامعه و مجموعه‌ای از هنجارهایی که یک انتخاب را در میان راه‌های مختلف عمل تعیین رابطه خود با جهان در یک‌زمان خاص ارائه می‌دهد. مرجعیت کلان برخلاف توصیفی بیش از اندازه سطحی، ارائه‌کننده قرائتی کاملاً منسجم از جهان نیست. در واقع، ارزش‌هایی که آن را می‌سازد، خود، موضوعی برای بحث‌ها و منازعات هستند، مرجعیت کلان، پدیده‌ای اجتماعی نیست، بلکه نشانه عرصه روشنفکری در قلب جایی است که منازعات اجتماعی را به‌وجود می‌آورد؛

ب. مرجعیت بخشی: تصویری از پخش و دیسپیلین یا شغل است. اولین اثر این پدیده تعیین مرزهای بخش است. در واقع، توصیف ویژگی‌های یک بخش مانند کشاورزی و حمل‌ونقل و انرژی، ارتباطی تنگاتنگ با این قرائت دارد که ما از جایگاه کشاورزی و حمل‌ونقل و انرژی در جامعه داریم. مرجعیت بخش مانند مرجعیت کلان، سازه‌ای اجتماعی است که پیوستگی آن هرگز کامل نیست. در قلب یک بخش فرضی، همواره مجموعه‌ای از مفاهیم در مورد سرشت محدودیت‌های بخش و گسترش آن وجود دارد که از آن میان، یکی بر دیگران برتری دارد؛ زیرا در اغلب موارد این مورد برتر است که با سلسله‌مراتب کلان هنجارهای موجود در مرجعیت کلان تطابق دارد؛ بنابراین چنین قرائتی به‌عنوان تصویری مرجع برای سیاست‌گذاری عمومی مربوطه ظاهر می‌شود، زیرا قرائت عوامل ارتباط میان کلان و بخش را ایجاد می‌کند؛

ج. عوامل و جریان این مبادله کسانی هستند که عملیات تطابق مرجعیت بخش در درون مرجعیت کلان را که نوعی عمل بنیانی برای سیاست‌گذاری عمومی است، تحقق می‌بخشند (مولر، ۱۳۸۳).

جوادی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی آسیب‌شناسی فرآیند موجود سیاست‌گذاری عمومی در ورزش همگانی ایران پرداختند. بیشتر شرکت‌کنندگان در این پژوهش بر این عقیده بودند که سیاست‌گذاری صحیحی در ورزش همگانی کشور

1. Paradigm Change
2. Advocacy Coalition
3. Paul Sabatier

انجام نمی‌شود و مؤلفه‌های مؤثر در سیاست‌گذاری ورزش همگانی کشور شامل مؤلفه‌های سازمانی، باورها و فرهنگ‌ها، شرایط اقتصادی، تحلیل، تفسیر و تدوین علمی و نیز مطالعات و پژوهش‌ها هستند؛ همچنین نتایج این پژوهش بیانگر آن است که در فرآیند سیاست‌گذاری ایران، گروه‌های سیاسی در مقایسه با گروه‌های دارای نفوذ مدنی و حرفه‌ای بیشترین تأثیر را دارند. از این‌رو، بخش‌های غیردولتی و نهادهای مدنی کمترین مشارکت را در فرآیند سیاست‌گذاری دارند (جوادی پور و همکاران، ۱۳۹۶).

نظام سیاست‌گذاری در ایران بنیادهای معرفتی و نظری خاصی دارد که به‌وجود آورنده ابزارها و فنون متناسب با خود هستند؛ از این‌رو، برای شناخت سیاست و سیاست‌گذاری، شناخت این بنیادها از یک‌سو، به بهینه‌سازی فرآیندهای سیاست‌گذاری آینده کمک شایانی می‌کند و از سوی دیگر ما را با نقاط قوت، نقاط ضعف و خلاءهای موجود آشنا می‌کند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۳).

هالیهان^۱ (۲۰۰۵) در پژوهشی تدوین چارچوب تحلیلی سیاست‌گذاری عمومی ورزش انگلستان را مورد بررسی قرار داد. پس از تدوین مجموعه‌ای از معیارها برای ارزیابی کفایت چارچوب‌های تحلیلی، چهار چارچوب اصلی تحلیلی در سطح بین‌المللی را مورد بررسی قرار داد و مدل مراحل، تحلیل نهادی، مدل چندمرحله‌ای جریان و چارچوب ترکیبی پشتیبان را ارائه داد. پس از بررسی‌های انجام‌شده هیچ‌یک از چهار چارچوب مورد بررسی، به اندازه کافی قانع‌کننده تلقی نمی‌شوند و در نتیجه، یک نسخه اصلاح‌شده از چارچوب ترکیبی پشتیبان ارائه شد.

وفایی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان مطالعه تطبیقی سیاست‌گذاری ورزش همگانی در ایران و کشورهای پیشرفته به مقایسه تطبیقی وضعیت سیاست‌گذاری ورزش همگانی در ایران با کشورهای برزیل، استرالیا، نروژ، فرانسه و سوئد پرداختند و با مقایسه نتایج، ۱۲ مؤلفه را برای افزودن به مدل سیاست‌گذاری رایج در ایران پیشنهاد دادند.

بر این اساس رویکردهای توسعه ملی ورزش عبارت‌اند از:

۱. ورزش بر مبنای اجتماع^۲: در این رویکرد تأکید بر این است که جامعه به سمت ورزش روی آورد. رواج ورزش در میان جامعه افزایش نشاط، سلامت جسم و جان و امکان شناسایی استعدادها را فراهم می‌کند؛

۲. ورزش مبتنی بر نخبگان^۳: در این رویکرد بر توسعه و ارتقای ورزش برگزیدگان و نخبگان تأکید می‌شود و توسعه در ورزش قهرمانی محوریت ویژه‌ای می‌یابد؛

۳. توسعه ورزش مبتنی بر صنعت^۴: پس از دهه ۱۹۵۰ گسترش کسب‌وکارهای مرتبط ورزشی و تبلیغات و افزایش سهم ورزش در برخی کشورها تا ۲ یا ۳ درصد تولید ناخالص ملی موجبات تغییر نگرش دولت‌ها به ورزش به‌مثابه یک صنعت را ایجاد کرد؛

۴. توسعه ورزش بر مبنای ابزار تربیت عامه: گسترش ورزش موجب نگرش دولت‌ها به استفاده از ابزارهای ورزشی برای انتقال ارزش‌های فرهنگی و ملی کشور منتهی شده است. به‌طوری‌که در آمریکای شمالی از ورزش به‌عنوان دین جامعه مدنی معاصر یاد کرده‌اند (احسانی، ۱۳۸۲).

آن‌چه در این رابطه بسیار حائز اهمیت است این‌که حدود مباحث و چارچوب تئوریک و عملی مدیریت ورزشی و سیاست‌گذاری ورزش از ابهام زیادی برخوردار است. در ایران با وجود دارا بودن پتانسیل بسیار زیاد نیروی جوان و همچنین اهمیت ورزش در ساختار جامعه موضوع سیاست‌گذاری ورزشی دچار اختلالات بسیاری است. این ضعف و نابسامانی در نظام سیاست‌گذاری عمومی در نتایج و عملکرد دستگاه‌های ورزشی نیز تجلی یافته است؛ به‌طوری‌که تاکنون جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است به مکانیسم مناسبی در طراحی نظام جامع ورزش در ایران بپردازد و علی‌رغم تلاش‌های بسیار و صرف هزینه‌های فراوان نتوانسته است جایگاه شایسته‌ای در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای پیدا کند. سردرگمی در توسعه

1. Houlihan
2. Community Based
3. Elite Based
4. Industry

همه‌جانبه ورزشی در ابعاد مختلف منجر به نهادینه‌سازی مقوله ورزش همگانی در جامعه نشده است. آجرلو و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان طراحی ساختار تشکیلاتی کلان ورزش جمهوری اسلامی ایران به آسیب‌شناسی ساختار موجود در ورزش ایران پرداختند؛ نتایج پژوهش نشان می‌دهد نمودار سازمانی وزارت ورزش دارای پیچیدگی فراوان افقی و عمودی است؛ به طوری که سلسله‌مراتب موجود باعث پیچیدگی فراوانی در ساختار شده است توسعه ورزش متضمن توجه به توسعه در تمامی سطوح فردی، سازمانی، ملی و بین‌المللی است و پایداری آن مستلزم استفاده از منابع، مدیریت، سرمایه‌گذاری، پیشرفت فناوری و تغییر ساختاری و نهادی و تناسب سیاست‌ها با الزامات و نیازهای کشور است (کمالی، ۱۳۹۱).

شناخت نقش عوامل مؤثر در قالب ده عامل اصلی از جمله حمایت مالی، ساختار و سیاست‌گذاری ورزش، مشارکت ورزشی، سیستم استعدادیابی، حمایت شغلی- ورزشی، اماکن و تسهیلات تفریحی، سیستم مربیگری، رقابت‌های ملی و بین‌المللی، تحقیقات علمی و محیط قهرمانی سبب می‌شود که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران ورزشی، نظیر وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک، فدراسیون‌های ورزشی که سازمان‌های ذینفع این تحقیق را هم تشکیل می‌دهند، با آگاهی از آنها و اتخاذ تدابیر و برنامه‌ریزی‌های اصولی و دستیابی به اهداف ورزش کشور، در توسعه هر چه بیشتر بُعد قهرمانی گام بردارند (شعبانی‌بهار و همکاران، ۱۳۹۳). از این‌روی ضرورت آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری عمومی در ورزش ایران با تأکید بر تعدد مراجع تصمیم‌گیری در این حوزه از اهمیت معناداری برخوردار است و پرسش اصلی این مقاله چرایی وجود مرجعیت‌های چندگانه در عرصه سیاست‌گذاری ورزش ایران و تأثیر آن بر نتایج ورزشی در کشور و هم‌زمان راهکارهای برون‌رفت از وضعیت موجود مبتنی بر مدل مرجعیت تصمیم‌گیری پیر مولر^۱ مورد استناد قرار گرفته است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع پژوهش‌های بنیادی بوده که به دنبال توسعه علم می‌باشد. از نظر استراتژی از نوع پژوهش‌های کیفی بوده که با استفاده از روش پژوهش فراتحلیل^۲ کیفی با استفاده از تحلیل اسناد، گزارش‌ها و پژوهش‌های مرتبط انجام شده است. فراتحلیل یکی از روش‌های توصیفی است که تحقیقات انجام‌شده را ارزیابی می‌کند. فراتحلیل عبارت است از ترکیب و یکپارچه‌سازی نتایج بسیاری از مطالعات و تحقیقات منفرد در حوزه‌ای معین. در فراتحلیل تحقیقات موجود، تأکید بر ترکیب و یکپارچه‌سازی نتایج آنها جهت استفاده علمی و کاربردی مورد توجه قرار گرفته است. در روش فراتحلیل ابتدا از طریق شکستن اجزای کل، تحلیل اولیه را به نحوی منتقل یا تبدیل می‌کنیم که یافته‌های نامناسب در چهارچوبی قابل قبول قرار گیرند و سرانجام، تحلیل‌های ترکیب‌شده اطلاعاتی را نشان می‌دهند که اطلاعات اولیه نشان نداده باشند. در عمل، ابتدا اطلاعات از منابع اولیه استخراج و سپس با یکدیگر ترکیب می‌شوند و سرانجام یک کل جدید را تشکیل می‌دهند. در پژوهش حاضر مرجعیت سیاست‌گذاری از بین متغیرهای موجود در نظام سیاست‌گذاری مورد بررسی قرار گرفته است. تحلیل و آسیب‌شناسی یک بخش را بر مبنای ویژگی‌های مرجعیت آن می‌توان تحلیل کرد؛ از این‌رو در پژوهش حاضر با تحلیل و ترکیب پژوهش‌ها و گزارش‌های مرتبط تلاش شده است مرجعیت سیاست‌گذاری در عرصه ورزش توسط اسناد بالادستی و اهداف نهادهای سیاست‌گذار تبیین و دلایل عدم تحقق اهداف مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

یافته‌ها

داده‌های پژوهش در این تحقیق در سه قسمت تبیین شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که تعدد نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم‌گیرنده در این حوزه سبب بروز مرجعیت‌بخشی شده است و این امر را می‌توان یکی از عمده دلایل بروز ناپایداری در روند ورزش قهرمانی و حرفه‌ای کشور دانست. همان‌گونه که در جدول شماره یک نشان می‌دهد وضعیت حوزه ورزش

1. Pierre Muller
2. Meta-Analysis

قهرمانی و حرفه‌ای در پایان برنامه چهارم و پنجم توسعه نشان‌دهنده حوزه‌های تصمیم‌گیرنده و تعدد آن در نتایج کاملاً مشهود است (وزارت ورزش و جوانان، معاونت قهرمانی و حرفه‌ای، ۱۳۹۳).

جدول ۱: وضعیت حوزه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای در پایان برنامه چهارم و پنجم توسعه (وزارت ورزش و جوانان، معاونت قهرمانی و حرفه‌ای، ۱۳۹۳)

برنامه پنجم (۱۳۹۳)	پایان برنامه چهارم (۱۳۹۰)	سال پایه (۱۳۸۳)	سنجه عملکرد	برنامه اجرایی یا اقدام اساسی	
۴۲۱	۲۵۱	۲۰۸	تعداد	مدال‌های کسب‌شده در مسابقات قهرمانی آسیا سالانه	۱
۷۵۹	۵۰۶	۴۷۴	تعداد	مدال‌های کسب‌شده در مسابقات بین‌المللی سالانه	۲
۳۷۶	۱۹۹	۱۴۴	تعداد	مدال‌های کسب‌شده در مسابقات قهرمانی جهان سالانه	۳
۵۷	۵۹	۴۵	تعداد	مدال‌های کسب‌شده در بازی‌های آسیایی (دوچه، گوانجو و اینچئون)	۴
۱۲۰	۸۰	-	تعداد	مدال‌های کسب‌شده در بازی‌های پار آسیایی (گوانجو و اینچئون)	۵
۱۲	۲	۶	تعداد	مدال‌های کسب‌شده در بازی‌های المپیک (آتن، پکن و لندن)	۶
۲۴	۱۴	۲۳	تعداد	مدال‌های کسب‌شده در بازی‌های پارالمپیک (آتن، پکن و لندن)	۷
۱۸	۲۷	۲۷	تعداد	کانون‌های استعدادیابی	۸
۱۷۹۵۶۸	۱۴۰۷۴۲	۹۲۶۱۰	تعداد	تعداد مربیان (زن و مرد)	۹
۱۵۰۵۰	۱۴۶۰۰۰	-	تعداد	باشگاه‌های بخش غیردولتی و خصوصی	۱۰

بررسی روند وضعیت مدال‌های ایران در بازی‌های آسیایی و المپیک بیانگر روندی ناپایدار و بی‌ثبات است و با بررسی این روند با روند سایر کشورهای رقیب این ناپایداری را بیش از پیش عیان می‌سازد. جداول شماره ۱ به ترتیب تعداد مدال‌ها و مقام‌های کسب‌شده در بازی‌های آسیایی، المپیک، مقایسه جایگاه ایران با کشورهای رقیب و مدال‌های کسب‌شده در بازی‌های المپیک به تفکیک رشته ورزشی را نشان می‌دهد. آمار مندرج در این جدول بیانگر روندی ناپایدار و بی‌ثبات در عرصه ورزش قهرمانی کشور است.

در گزارش برنامه ششم توسعه در حوزه ورزش که توسط معاونت توسعه و پشتیبانی وزارت ورزش و جوانان تدوین شده است در خصوص تحلیل احکام برنامه پنجم توسعه آمده است: «بررسی مفاد و احکام برنامه پنجم توسعه در زمینه ورزش و تربیت‌بدنی، نشان‌دهنده تمرکز و تأکید این برنامه بر افزایش سرانه بهره‌مندی اقشار مختلف مردم از فضاهای ورزشی، توسعه ورزش همگانی قهرمانی و توسعه زیرساخت‌های ورزشی و بسترسازی در جهت احداث و توسعه فضاهای ورزشی است. در راستای تحقق هر یک از این مسائل نیز جهت‌گیری‌های اعتباری و مالی در نظر گرفته شده است. یکی از مسائل مطرح در تحلیل برنامه پنجم توسعه، ترکیب اعضای کارگروه تخصصی تربیت‌بدنی است به طوری که برخی از اعضای این کارگروه مسئولیت و نقشی در حوزه ورزش و تربیت‌بدنی ندارند و هم‌چنین تعدادی از سازمان‌ها و نهادهایی مسئول و اثرگذار در حوزه ورزش در این کارگروه در نظر گرفته نشده‌اند. از جمله این نهادها می‌توان به وزارت صنایع، وزارت کشور و شهرداری‌ها اشاره کرد. این امر سبب عدم توجه همه‌جانبه و جامع به بخش ورزش و نادیده گرفتن بخشی از خواست‌ها و ظرفیت‌های سایر دستگاه‌ها و در نتیجه بروز پاره‌ای از موازی کاری‌ها، ناهماهنگی‌ها و ... خواهد گردید. در تحلیل احکام برنامه با توجه به ماده ۱۶۹ و ۱۷۰ قانون برنامه سوم و تنفیذ آن در قانون برنامه چهارم (ماده ۱۱۸) و وجود درآمد اختصاصی در برنامه چهارم، متأسفانه در برنامه پنجم درآمد اختصاصی حذف گردیده است. از آنجایی که بخش اعظم درآمدهای حاصله صرف هزینه‌های

نگهداری مربوط به امکان مورد اجاره خواهد شد که با توجه به عدم تخصیص و ابلاغ به موقع اعتبارات درآمدی منجر به افزایش هزینه‌ها و بروز شکوائیه از سوی مدیران استانی و انعکاس آن به مقامات بالاتر می‌گردد. چنانچه ردیف درآمدی وزارت ورزش و جوانان هم‌چون سنوات گذشته به درآمد اختصاصی تغییر یابد می‌تواند کمک شایانی به حل این مشکل و رفع چالش‌های پیش‌روی ادارات استانی تابعه و هیئت‌های مزبور گردد. از نقاط قوت بخش ورزش و تربیت‌بدنی در برنامه پنجم، تأکید و توجه به ورزش‌های روستایی (بند «ع» ماده (۱۹۴)) است. در این بند تأکید بر پیش‌بینی مکان‌های ورزشی برای جامعه روستایی به‌منظور بهبود وضعیت روستاها و ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان شده است. با توجه به این‌که بخش قابل‌توجهی از جمعیت کشور در روستاها ساکن هستند که بنا بر اقلیم‌های مختلف و برحسب ضرورت دارای بازی‌ها و ورزش‌های خاص خود هستند، عدم توجه به ورزش‌های مذکور باعث از بین رفتن تدریجی انگیزه در بین جوانان روستایی شده و درواقع پشتوانه ورزشی کشور کاهش پیدا خواهد کرد. خوشبختانه در برنامه پنجم توسعه به این امر توجه شده است و ضروری است در برنامه ششم توسعه نیز به این امر توجه شود. یکی دیگر از نقاط قوت برنامه پنجم توسعه، توجه به ورزش دانش‌آموزی (ردیف ۱۳ بند «الف» ماده ۱۹) است، ورزش دانش‌آموزی اهمیت ویژه‌ای برای بخش عظیمی از جمعیت جوان کشور از ابعاد مختلف تربیتی، اجتماعی و سالم‌سازی جامعه دارد و پشتوانه مناسب توسعه ورزش در سطح کلی محسوب می‌شود. ورزش دانش‌آموزان دارای کاستی‌های فراوانی در زمینه امکانات فیزیکی، امکان ورزشی در حد نیاز (به‌خصوص در شهرهای بزرگ) که خود مانع از دستیابی به اهداف بوده است. البته در طول برنامه توسعه ورزش، گام‌هایی برداشته شده است و شاخص‌های کمی تا حدودی رشد داشته‌اند ولی این میزان کافی نبوده است و از حیث کمی و کیفی مدارس کشور با مشکل جدی در زمینه ورزش دانش‌آموزی مواجه هستند؛ بنابراین ضروری است با حمایت‌های مناسب تحولی اساسی در ورزش مدارس کشور ایجاد شود تا با رفع کاستی‌های موجود که از اساسی‌ترین آسیب‌های ورزش کشور محسوب می‌شود، زمینه توسعه مناسب ورزش کشور فراهم شود؛ اما همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر گردید در برنامه ششم توسعه باید سهم و نقش وزارت ورزش و امور جوانان و وزارت آموزش و پرورش به‌صورت شفاف مشخص گردد علاوه بر این نقاط قوتی که مطرح شد، احکام برنامه پنجم در بخش ورزش و تربیت‌بدنی دارای کاستی‌هایی نیز است. از جمله این مشکلات پراکنده بودن احکام مربوط به بخش ورزش و محدود بودن موضوعات آن و دیده نشدن بسیاری از مسائل حائز اهمیت کشور است. به‌طوری‌که موضوعات و مسائل مهمی هم‌چون نظام ورزش بانوان، امور پژوهشی و تحقیقات ورزشی، نظام باشگاه‌داری و ورزش حرفه‌ای دیده نشده است. همچنین جهت‌گیری نسبت به سایر موضوعات نیز محدود به جهت‌گیری‌های مالی و اعتباری است.

با نظری بر تحقق مواد قانونی برنامه پنجم توسعه و تحلیل احکام قانونی آن می‌توان دریافت مرجعیت بخش ورزش در برنامه پنجم توسعه فاقد نگاه همه‌جانبه به مقوله ورزش است. این امر سبب‌ساز فقدان انسجام و یکپارچگی سیاست‌ها و خط‌مشی‌های تدوین‌شده برای نیل به اهداف می‌شود. برنامه پنجم توسعه در حوزه ورزش ضمن عدم وضوح کافی و فقدان نگاه همه‌جانبه دارای ابهامات فراوان در مرجعیت سیاست‌های تدوین‌شده است. با توجه به مبنا بودن مرجعیت‌ها در کل فرآیند سیاست‌گذاری ابهام مرجعیت‌ها اثر دامنه‌داری ایجاد و در سایر مراحل سیاست‌گذاری مسائل عمده‌ای ایجاد می‌کند و در نهایت منجر به عدم تحقق توسعه می‌شود (کمالی، ۱۳۹۱).

تعداد مدال‌ها و مقام‌های کسب‌شده در بازی‌های آسیایی توسط کشور ایران در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد روند وضعیت مدال‌های ایران در بازی‌های آسیایی بیانگر روندی ناپایدار و بی‌ثبات است و با بررسی این روند با روند سایر کشورهای رقیب این ناپایداری را بیش‌ازپیش عیان می‌سازد. جدول بالا به‌ترتیب تعداد مدال‌ها و مقام‌های کسب‌شده در بازی‌های آسیایی، مقایسه جایگاه ایران با کشورهای رقیب و مدال‌های کسب‌شده در بازی‌های المپیک به تفکیک رشته ورزشی را نشان می‌دهد (گزارش برنامه ششم توسعه در حوزه ورزش، ۱۳۹۴).

جدول ۲: تعداد مدال‌ها و مقام‌های کسب‌شده در بازی‌های آسیایی توسط کشور ایران
(گزارش برنامه ششم توسعه در حوزه ورزش، ۱۳۹۴)

رتبه در بین کشورها	جمع	برنز	نقره	طلا	بازی‌های آسیایی
۵	۱۸	۸	۶	۴	پکن ۱۹۹۰
۶	۲۶	۸	۹	۹	هیروشیما ۱۹۹۴
۷	۳۴	۱۳	۱۱	۱۰	بانکوک ۱۹۹۸
۱۰	۳۶	۱۴	۱۴	۸	بوسان ۲۰۰۲
۶	۴۸	۲۲	۱۵	۱۱	دوچه ۲۰۰۶
۴	۵۹	۲۴	۱۵	۲۲	گوانگجو ۲۰۱۰
۵	۵۷	۱۸	۱۸	۲۱	اینچئون ۲۰۱۴

آمار مندرج در جدول بیانگر روندی ناپایدار و بی‌ثبات در عرصه ورزش قهرمانی کشور است. در جمهوری اسلامی ایران به‌منظور توسعه و گسترش ورزش، فعالیت‌های مستمر و حمایت‌های لازم از طریق تشکیلات دولتی شامل: وزارت ورزش و جوانان، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت جهاد کشاورزی (در مناطق روستایی کشور)، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، نیروهای نظامی و انتظامی و هم‌چنین نهادهای عمومی غیردولتی مانند کمیته ملی المپیک، فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی و هم‌چنین شهرداری‌ها به‌عمل می‌آید (گزارش برنامه ششم توسعه در حوزه ورزش، ۱۳۹۴).

از دیگر عوامل روند ناپایدار ورزش قهرمانی و حرفه‌ای می‌توان به تغییر رویکرد و فازهای ورزش قهرمانی و حرفه‌ای که منبعث از نهادهای متعدد سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر است اشاره کرد. دخالت‌های فرابخشی در ورزش قهرمانی که به علت فقدان مرجعیت سیاست‌گذاری و نهادهای متعدد تصمیم‌گیری در عرصه ورزش است سبب‌ساز تعدد مدیران و شاخص‌های مدیریتی و در نتیجه اثرات نامطلوب در حوزه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای شده است.

مطابق جدول شماره ۳ در بررسی جایگاه ایران در بازی‌های آسیایی با کشورهای رقیب (گزارش برنامه ششم توسعه در حوزه ورزش، ۱۳۹۴) و بر اساس بررسی‌های تطبیقی مندرج در گزارش برنامه ششم توسعه در حوزه ورزش که توسط معاونت توسعه منابع و پشتیبانی وزارت ورزش و جوانان در سال ۱۳۹۴ علل ناپایداری در روند ورزش قهرمانی و حرفه‌ای را موارد زیر می‌داند:

جدول ۳: جایگاه ایران در بازی‌های آسیایی با کشورهای رقیب (گزارش برنامه ششم توسعه در حوزه ورزش، ۱۳۹۴)

ردیف	پکن ۱۹۹۰	هیروشیما ۱۹۹۴	بانکوک ۱۹۹۸	بوسان ۲۰۰۲	دوچه ۲۰۰۶	گوانگجو ۲۰۱۰	اینچئون ۲۰۱۴
۱	چین	چین	چین	چین	چین	چین	چین
۲	کره جنوبی	ژاپن	کره جنوبی	کره جنوبی	کره جنوبی	کره جنوبی	کره جنوبی
۳	ژاپن	کره جنوبی	ژاپن	ژاپن	ژاپن	ژاپن	ژاپن
۴	کره شمالی	قزاقستان	تایلند	قزاقستان	قزاقستان	ایران	قزاقستان
۵	ایران	ازبکستان	قزاقستان	ازبکستان	تایلند	قزاقستان	ایران
۶	پاکستان	ایران	چین تایپه	تایلند	ایران	هند	تایلند
۷	اندونزی	چین تایپه	ایران	چین تایپه	ازبکستان	چین تایپه	کره شمالی

۱. فقدان برنامه‌ای بلندمدت و راهبردی در عرصه ورزش کشور؛

۲. عدم توجه به ورزش در سطوح پایه و استعدادیابی؛

۳. ساختار تشکیلاتی غیرمنسجم، موازی‌کاری، عدم هماهنگی و یکپارچگی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری؛

۴. کم توجهی به توسعه ورزش همگانی؛
 ۵. عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های ورزش بانوان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور؛
 ۶. کمبود اعتبارات اختصاصی به ورزش قهرمانی کشور؛
 ۷. عدم سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در رشته‌های ورزشی مختلف و تمرکز بر رشته‌های محدود.
- با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده روند ناپایدار در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای کشور را می‌توان بر اساس مرجعیت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری توضیح داد. ساختار تشکیلاتی غیرمنسجم و فقدان نهاد مرجع سیاست‌گذار در عرصه ورزش ایران سبب موازی‌کاری و عدم یکپارچگی در نظام سیاست‌گذاری در ورزش ایران شده است. ابهام در مرجعیت سیاست‌گذاری ورزش قهرمانی اثرات دامنه‌دار و مسائل عمده‌ای در سایر مراحل ایجاد نموده و در نهایت سبب عدم تحقق سیاست‌های تدوین‌شده در حوزه ورزش قهرمانی شده است. وجود نهادهای متعدد سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر در عرصه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای نظیر وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و پارالمپیک و فدراسیون‌های ورزشی منجر به عدم وحدت رویه این نهادها در عرصه سیاست‌گذاری ورزش قهرمانی و در نتیجه عدم ثبات در کسب مدال شده است. مرجعیت یک سیاست با تعریف ملاک‌های انتخاب و چگونگی تعیین اهداف به یک سیاست‌گذاری معنا می‌بخشد و شیوه‌های اقدام سیاست‌گذاران تحت تأثیر مرجعیت کلان و تصور آنها از جایگاه هر بخش سیاست‌گذاری است (ملک محمدی و کمالی، ۱۳۹۴). با نظری گذرا بر وضعیت ورزش قهرمانی و حرفه‌ای کشور ناهمگنی در خط سیر رشد رشته‌های ورزشی به استناد این جدول کاملاً مشهود است که این ناهمگنی را می‌توان در فقدان مرجع کلان سیاست‌گذار جستجو کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، با مفروض وجود مشکل در سیاست‌گذاری ورزشی ایران، مرجعیت‌های چندگانه تصمیم‌گیری از عمده‌ترین مشکلات مؤثر بر فرآیند تصمیم‌گیری در ساختار ورزش کشور در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مبتنی بر مدل مرجعیت تصمیم‌گیری پیر مولر می‌باشد. جکسون (۲۰۰۰) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسید که در بیشتر کشورها نحوه نگرش دولت به ورزش در توسعه ورزش نقش عمده‌ای دارد. اخوان کاظمی (۱۳۹۶) نیز گزارش می‌نماید، ورزش به‌طور اجتناب‌ناپذیری با سیاست پیوند خورده است. که با نتایج این تحقیق نیز هم‌خوانی دارند. این پژوهش با روش فراتحلیل کیفی با بررسی مواد قانونی تحقق برنامه چهارم و پنجم توسعه و هم‌چنین بررسی روند ناپایدار ورزش قهرمانی و حرفه‌ای از منظر مرجعیت‌های چندگانه تصمیم‌گیری یکی از عمده‌ترین مشکلات ورزش کشور را تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار در ورزش ایران می‌داند که منجر به عدم تحقق مطلوب برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و نیز بی‌ثباتی در عرصه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای شده است. به عقیده‌ی دانایی‌فرد (۱۳۸۷) منفعت عمومی جامعه از سیاست‌گذاری، اثربخشی، سازگاری و میزان تطابق سیاست با اهداف و راهبردهای کلان دولت و نظام‌های نهادی، قانونی و اصلاحی، انصاف و برابری و انعکاس ارزش‌های جامعه، عواملی هستند که با استفاده از آنها می‌توان در مورد درستی یک سیاست یا فرآیند سیاست‌گذاری قضاوت کرد.

مرجعیت سیاست‌گذاری در بخش ورزش جایگاه روشنی از بخش ورزش ارائه نمی‌کند و ضمن ابهامات فراوان سازوکار ارتباط بین نهادی و بخش‌های مختلف با بخش ورزش را مشخص می‌سازد. تعدد مرجعیت‌های نظام سیاست‌گذاری ورزش ایران نارسایی‌های فراوانی را در عرصه ورزش در پی داشته است که از آن جمله می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱. تأثیر بر گوناگونی اهداف ورزشی به این منزله که بر روی زیرساخت‌های ورزشی توازن اهداف وجود ندارد؛
۲. خط سیر رشد رشته‌های ورزشی همگن نیست و از الگو و مدل مشخصی پیروی نمی‌کند؛
۳. دخالت‌های فرباخشی در ورزش باعث تعدد مدیران و شاخص‌های مدیریتی در کشور شده است؛

۴. تغییر رویکرد و فازهای ورزش قهرمانی، همگانی و حرفه‌ای در ورزش ایران به صورت کاملاً مشخص و معینی دیده می‌شود؛
۵. تعدد مراجع تصمیم‌گیری خود باعث اختلاف سطوح ادراکی در نظام معنایی ارزشی سیاست‌گذاری ورزش شده است؛ به طوری که دخالت‌های بخش دولتی در نهادهای غیردولتی ورزشی باعث تعلیق این ورزش‌ها شده است؛
۶. از سوی دیگر تعارض بار نظام ارزشی و هنجاری جامعه ایرانی و اسلامی سبب بروز تعارض‌هایی در خصوص ورود زنان به ورزشگاه‌ها شده است؛
۷. غلبه نگاه بخشی بر کلان و حاکم شدن نظام بودجه‌ای بر برنامه توسعه بخش ورزش؛
۸. فقدان برنامه‌ریزی فضایی و منطقه‌ای بر مبنای آمایش سرزمین و تقسیم کار ملی؛
۹. عدم شکل‌گیری مدیریت استراتژیک و یکپارچه در نظام ورزش کشور و غلبه نگاه محدود بر نگاه کلان که منجر به بی‌توجهی به مباحث مهمی چون اقتصاد ورزش، توسعه علمی و نرم‌افزاری و دانش‌بنیان نمودن ورزش، توسعه کارآفرینی در بخش ورزش و توسعه ورزش بانوان؛
۱۰. فقدان سازوکار مناسب و مشخص ارتباط بخش ورزش با سایر بخش‌ها و در نتیجه عدم تحقق احکام قانونی که مستلزم ارتباط بین نهادی است.

نتایج نشان داد تغییرات ساختاری و رشد برنامه‌های توسعه ورزش در کشور با وجود تأکید در برنامه دوم و سوم توسعه، فقط در برنامه چهارم و تا حدودی صورت گرفته است. همچنین نوع و سطح رویدادها و برنامه‌ها در برنامه‌های توسعه، رشد کمی نسبتاً مطلوبی داشته است ولیکن ثبات و کیفیت پایین و تغییرات پیش‌بینی نشده زیادی نیز در نتایج به دست آمده در رقابت‌های قهرمانی وجود داشته است. البته موفقیت‌هایی در ورزش قهرمانی و همگانی، سرانه برنامه‌ها، امکانات و بودجه تا حد زیادی به اهداف تعیین شده دست یافته است؛ با این حال و به طور کلی، شاخص‌های توسعه ورزشی کشور تناسب مطلوبی با چشم‌انداز ۱۴۰۴ و برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور ندارد. علی‌رغم برنامه‌ریزی منسجم و هدفمند بسیاری از دستگاه‌های متولی ورزش، به نظر می‌رسد عدم توازن در بخش ورزش و تعارضات در سیاست‌های توسعه ورزش در وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون‌ها، شهرداری‌ها، آموزش و پرورش و ... به انضمام برخی موازی کاری‌ها و همچنین هدررفت سرمایه‌های مادی و معنوی را فراهم کرده است. در حال حاضر به نظر می‌رسد تنها راه برنرفتن از این مشکل تدوین یک سند ملی که سیاست‌ها، اهداف و راهبردهای کلان ورزش ایران را تبیین و ابلاغ نماید و تسهیم کار ملی شفاف در مورد تکالیف دستگاه‌های اجرایی مرتبط با ورزش در ایران را ایجاد نماید ضرورت اساسی و غیرقابل انکاری دارد (رمضانی نژاد، ۱۳۹۶).

نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیگری هم‌چون نصیرزاده (۱۳۸۷) یا راحمدی (۱۳۸۸) موسوی جهان‌آباد (۱۳۸۹) و جوادی‌پور و رهبری (۱۳۹۶) اشتراک‌هایی دارد. نقاط مشترک تمامی پژوهش‌ها در نقاط ضعف و آسیب‌ها، نبود فرهنگ ورزش همگانی در کشور، کم‌توجهی به ورزش بانوان، روستاییان و ورزش‌های بومی محلی، کافی نبودن امکانات، تجهیزات و فضاهای ورزش متناسب با جمعیت، نبود برنامه ریزی جامع، فقدان نیروی متخصص و کارآمد به لحاظ کمی و کیفی، کم‌بودن بودجه، عدم همکاری و هماهنگی و نداشتن سازمان‌ها و نهادهای دولتی و تأثیرگذار در امر ورزش، بی‌آگاهی از ضرورت ورزش قهرمانی و عدم اجماع مفهومی و نیز نبود مدیریت واحد و سیاست یکسان در ورزش است.

الگوی پیشنهادی با هدف کاهش تعدد مرجعیت‌های تصمیم‌گیری و ایجاد هماهنگی میان سازمان‌ها و نهادهای مؤثر در ساختار ورزش کشور را می‌توان به موارد ذیل تقسیم‌بندی نمود:

۱. تلاش برای تعیین تکلیف سطوح سیاست‌گذاری ورزش در لایه‌های قهرمانی، همگانی و حرفه‌ای؛
۲. اختصاص دادن محوریت نظام سیاست‌گذاری ورزشی در پایه قهرمانی به نظام سیاست‌گذاری ورزش‌های المپیک و جلوگیری از هرگونه دخالت فرابخشی در این حوزه؛

۳. ایجاد مشارکتهای خصوصی بر مبنای رقابت کامل ورزشی در پایه ورزش‌های قهرمانی و همگانی و کاهش وابستگی بخش‌های دولتی به بودجه عمومی در ردیف هزینه‌کردهای بودجه در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه.

منابع

- اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۷۸). «ورزش و سیاست بین‌المللی»، مجله المپیک، (پیاپی ۱۳). بهار و تابستان ۱۳۷۸.
- الوانی، مهدی (۱۳۷۱). مدیریت عمومی، تهران: نشر نی.
- الوانی، مهدی؛ شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۳). خط‌مشی سیاست‌گذاری عمومی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- بدری آذین، یعقوب (۱۳۸۵). بررسی وضعیت ورزش ژیمناستیک در ایران با رویکرد تدوین نظام جامع توسعه منابع انسانی در ورزش ژیمناستیک کشور، دانشگاه تهران.
- پورکیانی، محمد (۱۳۸۷). بررسی وضعیت موجود فضاهای ورزشی دانشگاه‌های سراسر کشور و میزان بهره‌گیری از آنها، دانشگاه تهران.
- پیمان‌فر، محمدحسن (۱۳۹۱). «موانع زیربنایی نظام ورزش کشور در اجرای برنامه‌های راهبردی»، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال اول، شماره سوم.
- جوادی پور، محمد؛ رهبری، سمیه (۱۳۹۶). «شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایران»، فصلنامه علمی و ترویجی سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره ۷، شماره ۲.
- جوادی پور، محمد؛ روحی‌دهکردی، میترا؛ رهبری، سمیه؛ طایفی، حلیمه (۱۳۹۷). «آسیب‌شناسی فرآیند موجود سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران و ارائه الگو»، مطالعه مدیریت ورزشی، شماره ۵۲.
- حمیدی، مهرزاد؛ حمیدی، محسن (۱۳۹۰). «کاربرد تکنیک‌های نوین مدیریت عملکرد در اجرای استراتژی»، چکیده مقالات دومین همایش ملی مدیریت ورزشی، شاهرود.
- رضوانی‌نژاد، رحیم؛ هژبری، کاظم؛ عیدی، حسین؛ ریحانی، محمد؛ عسگری، بهمن (۱۳۹۶). «مبانی توسعه ورزش و کاربرد آن در ورزش ایران»، مجلس و راهبرد، دوره ۲۴، شماره ۹۱.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۷۸)، چالش‌های مدیریت دولتی، تهران: انتشارات سمت.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۵). گزارش عملکرد برنامه قانون پنجم توسعه، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۶). گزارش عملکرد برنامه قانون ششم توسعه، تهران.
- سازمان تربیت‌بدنی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۱). سند راهبردی نظام جامع توسعه تربیت‌بدنی و ورزش کشور، مؤلفه توسعه ورزش قهرمانی.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۲). نظام جامع توسعه تربیت‌بدنی و ورزش کشور، تهران.
- سجادی، سیدنصرالله؛ محمودی، احمد؛ ساعتچیان، وحید؛ حاجی آخوندزاده، مسعود (۱۳۹۰). «بررسی اولویت و راهکارهای پیشرفت ورزش قهرمانی جودوی کشور از دیدگاه صاحب‌نظران، نشریه مدیریت ورزشی، دوره ۶، شماره ۲.
- شعبانی‌بهار، غلامرضا؛ عرفانی، نصراله؛ گودرزی، محمود؛ منصف، علی (۱۳۹۳). «کاربرد مدل تحلیل مسیر در تبیین شاخص‌های مؤثر بر موفقیت ورزشی تیم‌های ایران در رویدادهای بین‌المللی»، پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، ۳.
- قراخلو، رضا؛ قراخلو، احسان (۱۳۸۷). سیاست‌گذاری و اولویت‌بندی در توسعه ورزش قهرمانی، انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران.
- کاشف، محمد (۱۳۷۹). «بررسی وضعیت ورزش همگانی در ایران و توصیه‌هایی برای توسعه آن»، چهارمین همایش تربیت‌بدنی، دانشگاه تهران.

- کمالی، یحیی (۱۳۹۱). «مرجعیت سیاست‌ها و توسعه صنعت گردشگری ایران با تأکید بر برنامه سوم و چهارم توسعه». مجله فرآیند مدیریت توسعه، دوره ۲۷، شماره ۱.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۳). «توسعه پایدار به‌مثابه مرجعیت سیاست‌گذاری و مدیریت توسعه»، بیستمین همایش ملی منطقه‌ای انجمن متخصصان محیط‌زیست ایران.
- کردزاده کرمانی، محمد (۱۳۸۰). اقتصاد سیاسی ج.ا.ا. تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
- مصلی‌نژاد، غلام عباس (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران، تهران: انتشارات قومس.
- مظفری، امیرمحمد و همکاران (۱۳۸۹). «توصیف اجرای تربیت‌بدنی در سه پایه مدارس کشور»، نشریه علوم حرکتی و ورزش، سال هفتم، جلد دوم، شماره ۱۴.
- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (۱۳۹۱). گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۹، تهران.
- ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۴). بررسی اندیشه‌های شهید مدرس از منظر سیاست‌گذاری عمومی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ملک‌محمدی، حمیدرضا؛ کمالی، یحیی (۱۳۹۵). «بررسی مفاهیم پارادایم، مرجعیت و ائتلاف حامی در تحلیل سیاست‌گذاری عمومی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۶، شماره ۱.
- مولر، پیر (۱۳۸۳). سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی. تهران: انتشارات دادگستر.
- مهتابی شیراز، محمداسماعیل؛ داداش‌پور، مهرانگیز؛ محمدی‌خراجو، علی (۲۰۱۵). «آسیب‌شناسی مدیریت ورزش ایران از دیدگاه متخصصان ورزش»، همایش ملی علوم ورزشی، اردبیل.
- وحید، مجید (۱۳۸۳). سیاست‌گذاری عمومی، تهران: میزان.
- وحید، مجید (۱۳۸۳). «نگرشی بر سازمان و منطق حاکم بر آن»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- وحید، مجید (۱۳۸۴). «نگاهی به مشکل سیاست‌گذاری عمومی در ایران در قالب جامعه‌شناسی سازمان‌ها و با بهره‌گیری از مفهوم مرجعیت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- Houlihan, B. (2005). "Public sector sport policy. Developing a framework for analysis international", *Review for the Sociology of Sport*, 40(2), 163-85.
- Jackson, E.L (2000). Will research on leisure constraints still be relevant in the twenty – first century? *Journal of leisure Research* 32, 62 – 68.
- Jobert, Bruno, Muller, Pierre. (1987), *L'Etat en action, Politiques publiques et corporatismes*, Paris, PUF.
- Josef, F. & Cecilia, S. (2015). "Sport policy in Sweden", *International Journal of Sport Policy and Politics*, 8(3), 515-31.
- Kim, B.C. (2008). "Professional Baseball in Korea: Origins, Causes, Consequences and Implications", *the International Journal of the History of Sport*, 25(3): 370-85.
- Muller, Pierre, (1994). *Les Politiques publiques*, Paris, Pdf.
- Peters, Gay (2004). *American Public Policy: Promise and Performance* (7 Ed.) New York's Press.
- Sabatier, Paul (1998). "The Advocacy Coalition Framework: Revisions and Relevance for Europe", *Journal of European Public Policy*, No. 5: 98-130.
- Sabatier, Paul, and Jenkins-Smith, II. (1999). the advocacy coalition framework: An assessment. In P. Sabatier (ed.), *Theories of the Policy Process*, 117–166.
- Sapkota, S. Bowles, H.R. Ham, S.A. (2006). "Adult Participation in Recommended Levels of Physical Activity: United States, 2001-2003". *Journal of American Medical Association*, (295) 9, 27-29.
- Sargit, S. (2017). *Sport Malaysia: Policies and development strategies for the populace*. Paper presented at the Second International Sport for all Conference, Tehran.

به این مقاله این گونه استناد کنید:

گیاه‌شناس بن‌بازاری، جواد؛ ساعی، احمد؛ زیباکلام، صادق؛ ملک‌محمدی، حمید رضا (۱۳۹۸). «سیاست‌گذاری ورزشی در ایران با تأکید بر مرجعیت‌های چندگانه تصمیم‌گیری». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی، ۹ (۱۸)، ۶۵-۷۶.